

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۰۲ نومبر ۲۰۱۷

"مسلمان نمائی" و "اسلام پناهی" در ادامه "مظلوم نمائی"

۶

جاسوس پیر و یا "پیر جواسیس" بعد از مدت تقریباً ۵ سال قطع همکاری با پورتال "افغانستان آزاد-آزادافغانستان" برای بار دوم به تاریخ ۱۷ می ۲۰۱۵ با ارسال مطلبی معنون به "با عرض احترام خدمت دانشمند دوست محمد خان بدخشی" که تقریباً ثلث آن نوشته نقلی بود از همکار گرامی ما استاد سخن آقای "معروفی"، همکاری اش را آغاز نمود. از آن زمان الی آخرین نوشته اش که در پورتال به تاریخ ۳۰ جون ۲۰۱۵ منتشر گردید- معنون به "نویسنده پرنویس، جناب محترم آقای سدید"- تمام مطالبی را که نامبرده ارسال داشته و همه بعد از ویراستاری های لازم به نشر رسیده اند، نه تنها در پورتال وجود دارند بلکه همزمان در سایتک وابسته به استخبارات المان و سایت "آی. اس. آی" پاکستان نیز منتشر شده است، شما خود می توانید مشاهده نمائید که آیا در کدام یک از آنها مسایل ایدئولوژیک و اعتقادی مطرح شده که گویا پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" به سانسور آن دست یازیده و آن "بنده حقیر" را از حق جوابدهی محروم ساخته است و یا قضیه عکس آن بوده این ادعا هم از دروغخانه شاگرد مکتب "مک کارتیزم" بیرون شده تا کسانی را که درجه ذکاوتش از جاسوس پیر هم کمتر باشد، فریب بدهد.

در اینجا شاید نزد تعداد کسانی که از آغاز اختلافات را تعقیب ننموده اند، سؤالی به وجود آید که پس مسأله در کجا بوده و چرا یک انسان ۹۰ ساله به مانند بچه های کوچک قهر می کند، چرا مجدداً مراجعه می نماید و چرا باز هم با فحاشی و سیل افتراء و تهمت دوباره روابطش را قطع می نماید؟

خوانندگان نهایت عزیز!

هرگاه چنین سؤالی نزد شما نیز به وجود آمده باشد، حق دارید و ما نیز وظیفه داریم به آن پاسخ ارائه داریم: به ارتباط قطع همکاری در بار اول، همان طوری که در قسمت گذشته نیز یاددهانی صورت گرفت، حینی که "جاسوس پیر" مطالبش را به پورتال ارسال می داشت، مقارن با زمانی بود که آقایان "بهرام رحمانی" و "آزادل" نیز مطالب شان را به پورتال ارسال می داشتند. آن دو همکار ما با استفاده از شرایط باز و مناسبی که پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" جهت نشر مطالب اعتقادی- له و یا علیه- تمام ادیان به وجود آورده بود و است، برداشت ها و دیدگاه های شان را راجع به اسلام و قرآن نقادانه مطرح می نمودند.

جاسوس پیر که نوشتن فکر می نمود می تواند از درون این دژ تسخیر ناپذیر ضد امپریالیزم و ضد ارتجاع را تسخیر نماید، به جای آن که اگر ظرفیتی برای بحث می داشت، نکات مطروحه از جانب آقایان "آزاد ل." و "بهرام رحمانی"

را نقد می نمود و به سؤالات آنها پاسخ ارائه می داشت، با دو شمشیر زنگ زده به جنگ با پورتال شتافت. شمشیر زنگ زده "آزاد ل"، "سید هاشم سدید" است و شمشیر زنگ زده "بهرام رحمانی"، "پرچمی" است.

این جاسوس بی آرم نمی خواست بپذیرد که خوانندگان پورتال با هوشتر از آنند که به دنبال خود سیاه ادعای کسی بدونند. او نمی خواست بفهمد که خوانندگان پورتال در آن حدی از توانائی ذهنی رسیده اند که وقتی پای یک بحث به میان می آید بیشتر از همه متوجه "مدعا" باشند نه این که "مدعی" چه کسی است.

در آن زمان به رؤیت مقالاتی که در پورتال در آرشیف آقای "بهرام رحمانی" وجود دارد، ایشان سلسله مقالاتی را در نقد ادیان ابراهیمی به خصوص اسلام زیر عنوان "سفاهت در قدرت دینی، جنایت در قدرت دولتی" منتشر می ساختند که بعداً در ۴۳۹ صفحه چاپ شده و در اختیار خوانندگان قرار گرفت.

جاسوس پیر به جای این که آن مقالات را نقد نماید از موضع یک استخباراتی که فکر می کند حاکم بر مقدرات تمام خلائق است، به ما دستور داد که این مقالات را منتشر نسازید، واضح بود که پورتال نمی توانست به چنین فراروایی گردن نهد.

واما درمورد دوم، این که با کدام انگیزه و به چه منظور مجدداً به پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" که گویا "ارگان ایدئولوژیک" شعله ئی ها می باشد، باز هم روی آورد، سؤالی است که پاسخ را جاسوس پیر باید خود بدهد و اما این که قهر دوشم بر روی چه علتی صورت گرفت، به استناد مقالاتی که همین اکنون در پورتال و سایر سایتها موجود است، مسأله برمی گردد به ادامه یک بحث ادبی. بحثی که در آغاز بین آقای "نوری" و جاسوس پیر جریان داشت و به دنبال آن که یک تن از همکاران پورتال در زمینه ابراز نظر کرد، ابراز نظر وی بر دوش همکار ما استاد سخن آقای "معروفی" گذاشته شده، جاسوس پیر تاخت و تازش را علیه ایشان آغاز نمود.

از آن جایی که پورتال در یک درگیری ناخواسته کشانیده شده بود، اداره پورتال با تمام قواء می کوشید که در منازعه بی طرفی اش را حفظ نموده، به مانند گذشته از ویراستاری مقالات "جاسوس پیر" دریغ نورزیده اگر سؤالی متوجه پورتال می شد، به پاسخ آن بپردازد. در این جریان بحث بین جاسوس پیر و همکاران عزیز ما آقایان "معروفی" و "سدید" در ساحه ادب، املاء و انشاء گسترش یافت.

ویراستاران پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" همان طوری که در همان زمان در ذیل مطلب جاسوس پیر، معنون به "نویسنده پرنویس، جناب محترم آقای سدید" نگاشته بودند، چون بحث گستره درست نویسی و املاء و انشاء را فرا می گرفت، به منظور آن که پورتال متهم به دخالت به سبک نگارش این و یا آن طرف بحث نگردیده در کل ادامه بحث را اخلاص ننماید، مقاله جاسوس پیر را به جای آن که ویراستاری نموده منتشر سازد، اغلاط املائی و انشائی آن را با رنگ سرخ مشخص ساخت. تا از یک طرف اصل امانتداری را در نوشته نویسندگان مراعات نموده باشد و از جانب دیگر خوانندگان پورتال را نیز متوجه اغلاط مقاله ساخته باشد. انجام همین عمل از دید جاسوس پیر، به مثابه "سنگ زدن به خانه خدا" تلقی شده، تمام دشنامهایی را که بلد بود و در جریان نوکری اش برای خاندان غدار طلایی و اربابان خارجی اش شنیده بود، همه را متوجه این قلم ساخت.

هرچند می خواستم در همان زمان خودم پاسخ این شارلاتان را بدهم، مگر از یک جانب فشار کار پورتال و وضع نامناسب صحی و از جانب دیگر داخل شدن دوستان و همزمان ارجنمند از آقای "توخی" گرفته، تا "میرویس ودان محمودی" و از "خالق داد پغمانی" گرفته تا "نعیم عزیزی" و از "آزاد ل." گرفته تا "احمد پوپل" و متباقی دوستان و همکاران عزیز پورتال به بحث و افشای هویت استخباراتی جاسوس پیر به استناد شواهد و آثار انکار ناپذیر و حتا زیر سؤال بردن تمام خانواده وی؛ باعث گردید تا این سگ مرده را لگد نزیم.

خوانندگان نهایت عزیز!

این بود جریان آمد و رفت جاسوس پیر به پورتال. و اما این که این شاگرد بی آزرم استخبارات انگلیس و امریکا ادعا دارد که گویا ما وی را دشنام داده ایم و بر مبنای سیاست نشراتی یک جانبه از نشر مطالب وی خودداری ورزیده ایم، باز هم از موضع کور خود و بینای مردم حرکت نموده، ضمن انداختن برف خود بر بام دیگران بر ما و بر پورتال اتهام نیز بسته است.

اتهامش بر ما این است که گویا به جای نشر مطالبش وی را دشنام داده ایم. کسی که ما را بشناسد و شناختی از این جاسوس بی آزرم داشته باشد می داند که این یک ادعای دروغ است و یک ذره حقیقت در آن وجود ندارد. این را همه کس می داند که به دشنام دادن کسی آغاز می نماید که پای منطقش کوتاهی کند و آن که پای منطقش کوتاه بود و است، جاسوس پیر است که نه فهم دارد و نه هم شرف تا شرم داشته باشد. ما نیازی به این نداشتیم و نداریم تا کسی را فحش بدهیم، اما این را حق خود می دانیم که وقتی کسی به زبان فحش با ما برخورد کند، جوابش را با زبان خودش بدهیم. مقالات هر دو طرف که همه در قید تاریخ اند، در پورتال و سایر سایتها وجود دارد، شما خوانندگان عزیز می توانید خود قضاوت نمائید که چه کسی آغازگر فحش و دشنام بوده، ما و یا جاسوس پیر. من این را می پذیرم که همکاران ما هم حین افشای هویت استخباراتی و کثیف این جاسوس پیر الفاظ رکیکی به کار برده اند، مگر تا جایی که به بار معنایی آن کلمات رابطه می گیرد، از آن جایی که هیچ یک از آن کلمات و الفاظ رکیک بر وی اتهام زده نشده بلکه همه بدون استثناء معرف هویت واقعی وی اند، لذا هر چند رکیک اند اما فحش و ناسزا نیستند زیرا بد را به این که بد بگوئی نمی توانی با کلمه دیگری بیان داری.

و اما اتهام بر پورتال که گویا عقاید مخالف را منتشر نمی سازد، آن قدر بی پایه و سست بنیاد است که اگر جاسوس پیر از کوچه و جدان هم گذر می کرد چنین اتهامی را بر پورتال نمی بست. آنهم در مسایل اعتقادی. خوانندگان نهایت عزیز!

ما از زمان افتتاح پورتال تا همین لحظه که این مطلب نگاشته می شود ۱۵۱۶ مقاله در بخش مسایل ایدئولوژیک پورتال منتشر نموده ایم، در میان این مقالات از نشر تفسیر پاره آخر قرآن به صورت کامل گرفته تا ده ها و صد مطلب له و علیه دین اسلام و مجموع ادیان من جمله ادیان ابراهیمی از قلم نویسندگانی منتشر ساخته ایم که فردی مانند جاسوس پیر باید سالها نزد آنها شاگردی نماید تا اجازه نوشتن مطلب را ببابد. چه شد که پورتال حین نشر این ۱۵۱۶ مطلب، نه سانسور را می شناخت و نه هم از نشر کدام مطلبی له و یا علیه دین ممانعت به عمل آورد، مگر وقتی جاسوس پیر خواسته مطلبی بنگارد، از نشر آن ممانعت به عمل آمده است.

این که گفته اند "مرتجعین هر سنگی را که بردارند، عاقبت روی پای خودشان می افتد" در این جا بار دیگر صدق می نماید. چه جاسوس پیر ادعا دارد که گویا پورتال از نشر جوابهای آن "بچه مسلمان" امتناع ورزیده و ما می گوئیم که جاسوس پیر انسان دروغگوی و کلاشی است که هیچ گاهی کدام مطلب اعتقادی نفرستاده است. ما به علاوه آن که عدم موجودیت حتا یک مقاله از جاسوس پیر را در تمام رسانه ها، دلیلی بر دروغ بودن ادعایش معرفی می داریم موجودیت ۱۵۱۶ مقاله له و یا علیه دین را در بخش مسایل ایدئولوژیک پورتال سندی می دانیم که وی باز هم دروغ گفته است.

و اما این که چرا برخی از مطالبش در پورتال منتشر نشده است، بر می گردد به دودلیل دیگر:

نخستین دلیل، تکمیل شناخت متصدیان پورتال از وی است. یعنی بعد از آن که متصدیان پورتال به اساس نشر مقالات متعدد متوجه و معتقد گردیدند که "سید خلیل الله هاشمیان" یک جاسوس کهنه کاریست که به علاوه بیش از سه ربع قرن جاسوسی به دستگاه های استخبارات داخلی و خارجی اعم از امریکا، انگلیس و روسیه، در زمان حاکمیت مزدوران

روس در افغانستان، به خصوص در زمان حاکمیت "تره کی - امین" که شوینزم عظمت طلبانه پشتون را در کل در خدمت "اکسا، کام" و در نهایت "ک. ج. ب." قرار داده بود؛ دستش به خون فرزندان راستین این کشور آغشته می باشد، به اساس سیاست نشراتی پورتال که با دشمنان مردم همکاری نمی کند، نوشته های این جاسوس کثیف را منتشر نمی سازد. - می خواهد هرچه باشد.

نکته دوم بر می گردد به اصل ویراستاری. آنهایی که با نوشته های این قلم آشنائی دارند حتماً به خاطر می آورند که چندی قبل یک سلسله مقاله در مورد ویراستاری از این قلم در همین پورتال به نشر رسید. در همانجا بیان شد که ویراستاری در کل دو ساحه را احتوا می نماید، شکل و مضمون. در مورد شکل اگر ویراستار می تواند دست باز داشته باشد در مورد محتوای مطلب، عامل تعیین کننده رسالت وجدانی ویراستار برای نشر و یا عدم نشر یک مطلب می باشد.

حال با در نظر داشت چنین برداشتی، وقتی مطلبی به دست شما می رسد که در ۶ صفحه نگارش یافته هر صفحه دارای ۴۳ سطر است و شما در بیش از ۲۴۰ سطر حتا یک جمله درست و مطلبی نمی یابید که مطابق با واقع باشد، یعنی همه دروغ، بهتان و افتراء باشد، به نظر ما باید عاری از وجدان بود که به نشر چنین مطلبی دست یازید. به نظر ما وقتی یک ویراستار خود بداند که آنچه را ویراستاری می کند سراسر دروغ و بهتان است، به بهانه "آزادی مطبوعات" هرگاه باز هم به نشر اکاذیب و اباطیل بپردازد، نه تنها چنان ویراستاری شرافت و وجدان ندارد، بلکه رسانه ای که به نشر چنان مطلبی اجازه می دهد، هم فاقد شرف و وجدان می باشد.

در نتیجه وقتی پورتال اکاذیب، اباطیل و اراجیف جاسوس پیر را منتشر نمی سازد، نباید به معنای سانسور عقاید دیگران تلقی گردد بلکه می باید آن را به مثابه دفاع از شرافت "قلم" به شمار آورد. مگر نه این است که قرآن هم به شرافت قلم معترف است!